

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۱۱ - دوشنبه ۹۱/۷/۱۰

#### اشکال چهارم بر استدلال اخباریون

آنچه که از ظاهر روایت «الوقوف عند الشبهات خیر من الاقتحام فی الهلکات» به دست می‌آید شمول آن نسبت به تمام شبهات است؛ چه شبهات تحریمیة و چه شبهات وجوبیة و همچنین شبهات موضوعیة، در حالی که می‌دانیم قطعاً شبهات موضوعیة خارج است و حتی اخباریون در شبهات موضوعیة تحریمیة قائل به وجوب احتیاط نیستند و به نظر اکثر اخباریون، شبهات وجوبیة نیز از این شمول خارج است. حال باید پرسید خروج این موارد از شمول حدیث فوق به چه دلیل است؟

از آنجا که حدیث، اطلاق یا عموم دارد نمی‌توان پذیرفت که این حدیث از اوّل شامل چنین شبهاتی نمی‌شود و اگر گفته شود با تقييد و تخصيص خارج شده‌اند باید گفت این روایت آبی از تقييد و تخصيص است؛ زیرا لسان روایت چنین است که: «احتیاط کنید و الا در هلاکت خواهید افتاد» و اگر تقييد شود معنا این‌گونه خواهد شد که در فلان مورد مانعی از این نیست که احتیاط نکنید و در هلاکت بیافتید، که چنین تقيیدی معقول نیست.

بنابراین روایت مبارکه یا باید حمل بر استحباب شود که این وجه نیز دارای اشکال است و یا باید حمل بر ارشاد شود که به نظر می‌رسد تنها راه برون‌رفت از این اشکال، ارشادی دانستن این روایت است.

## پاسخ بعضی معاصرین بر اشکال چهارم

برخی از معاصرین بیان کرده‌اند<sup>۱</sup> که مانعی از تقیید یا تخصیص روایت مذکور وجود ندارد؛ زیرا «الوقوف عند الشبهات خیر من الاقتحام فی الهلکات» در حقیقت منحلّ به دو قضیه می‌شود: یک قضیه‌ی آن عبارت است از: «ان کلّ شبهة مظنة الاقتحام فی الهلکة» و قضیه‌ی دیگر عبارت است از: «ان الوقوف فی کل شبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة». بنابراین دو جمله وجود دارد که هر کدام خصوصیات مربوط به خود را دارد. جمله‌ی دوم قابل تخصیص و تقیید نیست؛ زیرا معنا ندارد که گفته شود اقتحام در هلاکت بد است مگر در فلان مورد یا ...، اما مانعی وجود ندارد که جمله‌ی اوّل تقیید یا تخصیص بخورد؛ مثلاً گفته شود: «ان کل شبهة مظنة الاقتحام فی الهلکة الا الشبهة الوجوبية بعد الفحص» و در حقیقت خروج شبهات وجوبیه و موضوعیه به اعتبار قضیه‌ی اول است نه قضیه‌ی دوم، در نتیجه مشکلی که در پاسخ چهارم ذکر شد مرتفع می‌گردد.

## نقد و بررسی پاسخ بعض معاصرین

واقع آن است که اشکالی که بعض معاصرین به پاسخ چهارم ذکر کردند قانع کننده نیست؛ به دلیل آنکه انحلال باید عرفی باشد و در مثل «الوقوف عند الشبهات خیر من الاقتحام فی الهلکات» واقعاً عرف دو قضیه نمی‌فهمد، بلکه در حقیقت حاصل این عبارت چنین است که: «مَن دخل الشبهة دخل النار»؛ کسی که داخل شبهه شود داخل آتش شده است، و چنین جمله‌ای به دو قضیه تحلیل نمی‌شود و روشن است چنین جمله‌ای (مَن دخل الشبهة دخل النار) آبی از تخصیص است؛ زیرا معنا ندارد که گفته شود نباید داخل در آتش شوید مگر در فلان مورد و ... بنابراین اشکال ایشان ناتمام است.

## نقد و بررسی اشکال چهارم به استدلال اخباریون

ولی حقیقت آن است که اشکال چهارم ناتمام است؛ زیرا «الوقوف عند الشبهات خیر من الاقتحام فی الهلکات» گرچه به اعتبار عقد الحمل (خیر من الاقتحام فی الهلکة) آبی از تخصیص است اما چه مانعی دارد به اعتبار عقد الوضع تخصیص زده شود و گفته شود: «ارتکاب کلّ شبهة الا الشبهة البدویة و الوجوبية، یوجب دخول النار». بنابراین نمی‌توان گفت این لسان، آبی از تخصیص یا تقیید است.

۱. منتقی الاصول، ج ۴، ص ۴۶۷.

آری، می‌توان گفت که چنین امری مستلزم تخصیص اکثر است، ولیکن باید گفت هنگامی تخصیص اکثر مستهجن است که عامی وارد شده باشد و مخصّصی اکثر افراد را خارج کند، اما اگر لفظ مطلق باشد نه عام و افرادی که خارج می‌شوند تحت عنوان واحدی خارج شوند، مانعی وجود ندارد.

در ما نحن فیه هرچند بعضی از روایات در لفظ «الشبهات» دارای عموم است اما در برخی روایات اطلاق وجود دارد و گفته شده است: «الوقوف عند الشبهة...» و اگر از این اطلاق، افرادی با عنوان واحد خارج شوند، خصوصاً اگر این خروج با دلیل لُبی مانند اجماع باشد، نمی‌توان ملتزم به استهجان آن شد، بلکه اگر اکثر افراد به این روش از عام نیز خارج شوند مشکل است ملتزم به استهجان تخصیص شویم.

### وجه دیگر در پاسخ استدلال اخباریون به روایت

حقیقت آن است «الشبهات» در روایت «الوقوف عند الشبهات خیر من الاقتحام فی الهلکات» تخصیص و تقیید نخورده است؛ زیرا این روایت در بعض نقل‌های صحیح بر شبهه‌ی موضوعیه تطبیق شده است و نمی‌توان گفت در اینجا شبهه‌ی موضوعیه مشمول روایت نمی‌باشد. در صحیح‌هی مسعدة بن زیاد چنین آمده است که:

«لَا تُجَامِعُوا فِي التَّكَاحِ عَلَى الشُّبْهَةِ (وَقِفُوا عِنْدَ الشُّبْهَةِ) يَقُولُ إِذَا بَلَغَكَ أَنَّكَ قَدْ رَضَعْتَ مِنْ لَبَنِهَا وَ أَنَّهَا لَكَ مُحَرَّمٌ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ فَإِنَّ الْوُقُوفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْاِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ»؛

«بر نکاح شبهه اقدام نکنید مثلاً کسی بگوید فلان زن خواهر رضاعی توست؛ زیرا وقوف

عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة».

شکی نیست مراد از این شبهه، شبهه‌ی موضوعیه است؛ زیرا فرض آن است که حکم ازدواج با خواهر رضاعی معلوم است و در ادامه حضرت ع تمسک به عبارت «إن الوقوف عند الشبهة...» نموده و این عبارت را بر شبهه‌ی موضوعیه تطبیق می‌کنند. بنابراین نمی‌توان گفت این عبارت شامل شبهات موضوعیه نمی‌شود و نمی‌توان پذیرفت که روایت نسبت به شبهه‌ی موضوعیه تخصیص خورده است؛ زیرا امام ع این عبارت را بر شبهه‌ی موضوعیه تطبیق کرده‌اند.

و در شبهه‌ی موضوعیه حتی در مورد روایت، احتیاط لازم نیست؛ زیرا وقتی کسی به دیگری إخبار می‌کند «فلان زن خواهر رضاعی است» این إخبار یا حجّت است که اساساً شبهه از شبهه بودن خارج می‌شود و اقدام بر نکاح او حرام است و یا إخبار آن شخص حجّت نیست که در این صورت دو اصل، دالّ بر حلّیت نکاح است:

۱. استحباب عدم رضاع؛ زیرا شک می‌کنیم آیا این زن به قدر نشر حرمت شیر خورده است یا خیر، اصل عدم تحقق آن مقدار است.

۲. فرضاً اگر استحباب عدم رضاع جاری نباشد، «کُلُّ شَيْءٍ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْرِفَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ»<sup>۱</sup> شامل آن می‌شود، مضافاً به اینکه احدی در جواز چنین ازدواجی تشکیک نکرده است. بنابراین کشف می‌کنیم این روایت به هیچ وجه دالّ بر احتیاط و جوبی در موارد شبهه نیست، پس این روایت یا ارشادی است یا اینکه دالّ بر استحباب است. بنابراین کلام اخباریون بر وجوب احتیاط در شبهات ناتمام است.

### پاسخ پنجم بر استدلال اخباریون

شهید صدر رحمته الله<sup>۲</sup> در این پاسخ بیان می‌کنند اساساً اخباریون و حتی اصولیون روایت مذکور را تحت تأثیر اصطلاحات فقهی به گونه‌ای معنا کرده‌اند که دچار این مشکلات شده‌اند، در حالی که این روایت ربطی به موضوع بحث ندارد؛ به دلیل آنکه بحث ما درباره‌ی شک در حکم است و عمدتاً مربوط به شبهه‌ی تحریمیه است، شک در اینکه مثلاً آیا تدخین حرمت دارد یا خیر؟ در حالی که روایت مورد بحث، واژه‌ی «شبهه» را به کار برده است و این واژه در عرف فقها و اصولیون هرچند در موارد شک نیز به کار رفته است اما این استعمال تنها کاربرد یک اصطلاح است نه مقتضای معنای لغوی. «شبهه» در لغت مساوی با تشابه و مشابهت و مثل و مماثلت است. اگر چیزی مماثل حق باشد و به این اعتبار افراد را به گمراهی بکشاند شبهه خواهد بود و ربطی به قضیه‌ی شک ندارد. شاهد بر این معنا عباراتی است که در نهج البلاغه یا سایر روایات وجود دارد. مثلاً از امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه چنین نقل شده است که:

«وَأَيُّ سَمِيَّتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةٌ لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ...»<sup>۳</sup>؛

«شبهه را به این خاطر می‌گویند که مماثل حق است [و لباس حق را در بر کرده است]...»

---

۱. وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «كُلُّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَيْنِهِ فَتَدَعَهُ مِنْ قَبْلِ نَفْسِكَ...» (وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۸۹، ح ۴ «۲۲۰۵۳»)

۲. شهید صدر، بحوث فی علم الاصول، ج ۵، ص ۹۲.

۳. نهج البلاغه (للصباحی صالح)، خطبه ۳۸، ص ۸۱.

لذا باعث گمراهی افراد می‌شود نظیر خوارج که با شعار لا حکم الا لله علیه امیرالمؤمنین علیه السلام شمشیر کشیدند و به تعبیر حضرت علیه السلام: «إِنَّهَا كَلِمَةٌ حَقٌّ يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ»؛ «و کلام حقی را پوشش برای باطل خود قرار دادند و باطل را لباس حق می‌پوشاندند». در روایات دیگری نیز شواهدی بر این معنا وجود دارد خصوصاً به قرینه‌ی واژه‌ی «اقتحام» که به معنای ورود بدون تفکر است که مفید این معنا می‌باشد که چشم بسته وارد شبهه نشوید، لذا ربطی به وجوب احتیاط هنگام شک در وجوب یا حرمت چیزی ندارد بلکه امر به آن است که اگر در مواردی شک در حق یا باطل بودن چیزی کردید بدون تفکر وارد آن نشوید.

مقرر: سید حامد طاهری

---

۱. شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ج ۲، قصة التحکیم ثم ظهور أمر الخوارج، ص ۲۱۶؛ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۳۲، ص ۵۳۱، ح ۴۴۹.